

چرا علی امینی استعفا داد؟

۲۳ تیر ۱۴۰۳ ساعت ۱۶:۲۱

زیرا امینی به خواست آمریکا روی کار آمده بود و به ظن شاه هر آن امکان داشت که او از سوی آمریکا جانشین شاه نیز شود. این موقعیت باعث شده بود تا بسیاری از افراد، عمر دولت امینی را طولانی بدانند. اما در نهایت ناباوری، علی امینی در تیر ماه ۱۳۴۱ استعفا داد.

علی امینی، اولین نخست‌وزیر دهه ۱۳۴۰ شمسی بود. او در اردیبهشت ۱۳۴۰ روی کار آمد. دوران نخست‌وزیری امینی بسیار کوتاه بود. با این حال همین دوران کوتاه آستان حوادث سیاسی متعددی از جمله اعتصاب معلمان، اعتراض دانشجویان به تعطیلی مجلس شورای ملی و ضرب و شتم دانشجویان در بهمن ۱۳۴۰ بود. امینی در تیر ماه ۱۳۴۰ استعفا داد. استعفایی که به نظر می‌رسید به خواست و اراده خود او صورت گرفته بود؛ اما در واقع این استعفا پیش از آنکه ناشی از حوادث سیاسی داخلی باشد، متأثر از تصمیم مشترک آمریکا و شاه بود. به عبارتی تصمیم امینی گرچه در نام و عنوان، استعفا بود؛ اما تصمیمی اجباری بود که از سوی شاه و آمریکا بر او دیکته شد.

دوران نخست‌وزیری علی امینی

علی امینی در اردیبهشت ۱۳۴۰، مقام نخست‌وزیری را از آن خود کرد. او بعد از احراز این پست دست به اقدامات متعددی زد. مبارزه با فساد یکی از اقدامات و شعارهای اصلی او بود که احتمال می‌رفت گریبانگیر بسیاری از اعضای حکومت از جمله شاه نیز شود. با این حال برخی از اقدامات امینی نیز باعث به وجود آمدن حوادث سیاسی خاصی شد. از جمله ضرب و شتم دانشجویان در بهمن ۱۳۴۰ که در اعتراض به تعطیلی مجلس به وجود آمد. امینی در اولین فرصت مجلس را منحل نمود و مدتی کشور را بدون دخالت شاه اداره کرد. [\[۱\]](#) تعطیلی مجلس، اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران را به دنبال داشت. اعتراضات دانشجویی در نهایت پای عوامل حکومت را وسط کشید و منجر به ضرب و شتم آنها توسط عوامل حکومت شد. ظاهراً ضرب و شتم با دستور مستقیم شاه صورت گرفته بود و امینی نقشی در آن نداشت. بعدها مشخص شد که شاه با این اقدام درصدد خدشه‌دار کردن امینی و تضعیف دولت او بود؛ زیرا امینی به خواست آمریکا روی کار آمده بود و به ظن شاه هر آن امکان داشت که او از سوی آمریکا جانشین شاه نیز شود. این موقعیت باعث شده بود تا بسیاری از افراد، عمر دولت امینی را طولانی بدانند. اما در نهایت ناباوری، علی امینی در تیر ماه ۱۳۴۱ استعفا داد. در رابطه با دلایل استعفای امینی دیدگاه‌های متعددی موجود است.

ناکارآمدی و احساس ضعف

برخی معتقدند دلیل اصلی استعفای امینی، عدم کارآمدی او در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های موردنظرش بود. بر این اساس، اعتراضات دانشجویان و معلمان و نیز وناکامی او در اجرای فساد سیاسی و اقتصادی جزء مهم‌ترین عواملی بودند که استعفای امینی را به دنبال داشتند. اما این دیدگاه در منابع محدودی مورد بررسی قرار گرفته است و از نظر بسیاری از تحلیلگران، دلیل درستی به نظر نمی‌رسد. زیرا یک سال نخست‌وزیری زمان مناسبی برای اجرای سیاست‌های امینی نبود. در واقع امینی می‌دانست اجرای برنامه‌های موردنظرش در طول یک سال امکان‌پذیر نیست.

نقش شاه در استعفای امینی

اما دیدگاه دوم و دیدگاه کاملاً درست پیرامون استعفای امینی بر نقش و به عبارتی توطئه شاه تاکید دارد. بر اساس این دیدگاه گفته شده است که علی امینی با دستور مستقیم آمریکا روی کار آمد؛ زیرا آمریکا امینی را گزینه‌ای مناسب برای اجرای سیاست‌ها و اصلاحات موردنظر خود از جمله اصلاحات ارضی می‌دانست. آمریکا درصدد بود با اجرای برخی از اصلاحات، مانع از بروز نارضایتی‌های مردمی شود؛ زیرا در صورت بروز نارضایتی امکان سقوط حکومت و نفوذ کمونیست‌ها وجود داشت. این در حالی بود که شاه با سیاست آمریکا مخالف بود و تمایل داشت برای حفظ حکومت خود از روش‌های سرکوب و خشونت استفاده کند. در این شرایط آمریکا به سمت چهره‌هایی رفت که احتمال می‌داد برای اجرای اصلاحات مناسب هستند. علی امینی از جمله این افراد بود.

بدین ترتیب امینی روی کار آمد و پست نخست‌وزیری را از آن خود کرد. او در طول دوران صدارت خود بیش از پیش به آمریکا نزدیک شد. موضوعی که به تدریج به کابوس‌های شبانه شاه تبدیل شد. چنانچه زمانی که چستر بولز مشاور رئیس‌جمهور وقت آمریکا به ایران سفر کرد، در سفر خود ضمن این که امینی را مورد حمایت مجدد قرار داد و به طور خاص برنامه‌های اصلاحات ارضی او را تمجید کرد، خاطرنشان نمود که در روزهای آینده احتمالاً وام جدیدی به دولت او پرداخت خواهد شد. در مقابل امینی نیز در طول صدارت ۱۴ ماهه‌اش، حلقه به گوشه خود را به آمریکا ثابت کرده و می‌خواست نقشه‌های ارباب خود را در ایران به اجرا درآورد. در این شرایط شاه مجبور شد نقشه‌ای را طراحی کند تا مانع از نزدیک شدن امینی به آمریکا شود. بهترین نقشه از نظر شاه، حذف امینی از دایره قدرت بود.

تصمیم شاه در حذف علی امینی از قدرت

تصمیم شاه در حذف علی امینی از قدرت، از طرق سفر غیرمنتظره او به آمریکا در فروردین ۱۳۴۱ صورت گرفت. شاه در طی این سفر موافقت اربابان برای برکناری امینی و اجرای برنامه‌های آمریکا توسط خودش را خواستار شد. به این ترتیب امینی در ۲۷ تیرماه ۱۳۴۱ از نخست‌وزیری کنار رفت و از این پس طرح لوایح شش گانه که آغازی برای انقلاب سفید شاه بود، مطرح گردید. [۲]

البته شاه قبل از سفر خود به مباحثات با امینی پرداخت، او قبل از این مسافرت خطاب به هیئت دولت، اقدامات امینی و شخص ارسنجانی را مورد تأیید قرار داد. شاه می‌خواست این گونه بنمایاند که با نفس اصلاحات ارضی موافق است تا از این راه اعتماد بیشتر آمریکا را جلب نماید. در نهایت این نقشه با سفر آمریکا به شاه عملی شد. بعد از سفر شاه و توافق پنهانی شاه و آمریکا،

مطبوعات امریکا مقالات مفصلی در تمجید از وی منتشر کردند که در قیاس با انتقادات پیش از آن شگفت‌انگیز بود. چنانچه روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای نوشت که شاه ایران در حالی به امریکا مسافرت می‌کند که پیش از این مبارزه با کمونیسم را آغاز کرده است. مجله تایم نیز در گزارشی از اقدامات وی در زمینه اصلاحات ارضی تعریف کرد، چنین به نظر می‌رسید که شاه از حمایت مطبوعات امریکا در این سفر بهره مند است.^[۳]

سخن نهایی

در سیستم سیاسی شاه، رقبا و منتقدان جایگاهی نداشتند. شاه تنها خود را قدرت برتر می‌دانست و به هیچ وجه حاضر نبود این قدرت را با مردم و سایر نیروها تقسیم کند. از این رو اگر نسبت به نفوذ سیاسی شخص یا گروهی احساس خطر می‌کرد آنها را به اشکال مختلف از دایره سیاسی حذف می‌کرد. معمولاً مرگ، سرانجام مخالفان سیاسی بود؛ با این حال کسانی که خوش‌شانس‌تر بودند تنها از قدرت سیاسی کناره می‌گرفتند.

[۱] - غلامرضا جلالی، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، جلد ۴، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱، ص

۲۹۱

[۲] - علی حائری و همکاران، روزشمار شمسی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۶، ص ۲۸۶

[۳] - آبادیان، همان، ص ۲۳۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49710/> استعفا-امینی-علی-چرا